

اعتراف دروغ به ۳ قتل



اسروان فرهاد خدابیت (ست)

آبان ۷۶ بود که اجساد یک زن و دو فرزندش که به طور رموزی در خانه‌شان واقع در بلندی‌های دربند شیران جان سپرده بودند، پیدا شد. بیکرهای ترگی - ۲۹ ساله - و دختر ۶ ساله‌اش قلمه، در یک اتاق، مقابل تلویزیون پیدا شد و جسد مریم - ۹ ساله - نیز در اتاق دیگری در دستخواب بود.

صحنه جاده و شواهد موجود حاکی از آن بود که آنها در خواب به طور رموزی جان باختند.

به دنبال حضور قاضی جنایی و انتقال اجساد به پزشکی قانونی، حمید - مرد خانه - به کلانتری احضار و تحت بازجویی قرار گرفت.

او در نخستین بازجویی‌ها به خاطر آثار کودبی روی صورت و مصدوم شدن یک پایش - که دلایل محکمی مبنی بر نقش او در مرگ خانواده‌اش بود - بازداشت شد.

خودش می‌گفت: شبانه در حمام زمین خورده و مجروح شده است اما حرف‌های غیرمنطقی به نظر می‌رسید.

در ادامه تحقیقات یکی از خواهران ترگی (همسر متهم) به افسر پرونده گفت: ساعت ۶ صبح روز حادثه شوهر خواهرم حمید با حالی مضطرب و صورت ورم کرده و پای مصدوم به خانه آمد و گفت: دیشب همسر و فرزندانش از سرما یخ زده‌اند! من فرورا به خانه آنها که نزدیکی کلبه‌ها، رفته و با اجساد خواهرم و دو فرزندش روبه رو شدم.

شوهر خواهرم پانزی ساعت ۷ از دو روز قبل هم کسی اعضای خانواده‌اش را ندیده است.

در ادامه تحقیقات مشخص شد مریم دختر ۹ ساله خانواده از شبیه به مدرسه رفته و از همان روز هیچک از همسایگان هم مادر و دو دختر را ندیده‌اند.

بنابراین برای رفع ابهامات پرونده، اجساد قربانیان و تمامی وسایل آشیخانه به دستور قاضی پرونده برای آزمایش سم شناسی از سوی دیگر وقتی مرد خانواده برای بازجویی فرخوانده شد.

شده، گفت: «غروب شب حادثه وقتی به خانه رسیدم، همسر در آشپزخانه سرگرم کار بود و بچه‌ها در اتاق بودند. به حمام رفتم و پس از یک ساعت که آمدم متوجه شدم همگی خوابیده‌اند. من هم خسته بودم بدون خوردن شام خوابیدم. صبح وقتی از خواب بیدار شدم دیدم هنوز بیدار نشده‌اند.

خوابم بیدارشان کنم که دیدم بدن همگی آنها سرد است. بلافاصله همسایه‌ها را صدا زدم و از آنها کمک خواستم.

هیچ یک از حرف‌های حمید دلیلی بر بی‌گناهی‌اش نبود. تا این که اعتراف کرد نیمه شب هنگامی که همسر و دو فرزندش خواب بودند، «بالشتی» روی دهانشان گذاشته و هر سه را خفه کرده است.

او در حالی که از جانشینش ابراز ششمانی می‌کرد، گفت: مدتی بود با همسر اختلاف داشتم اما به خاطر این که همیشه قدرت بدنی همسر بیشتر از من بود و حریفش نمی‌شدم، از او کینه به دل گرفته بودم. آن شب بر سر مسائل خانوادگی میان ما بحث و مشاجره شد و او به پدرم تاسزا گفت.

بنابراین صبر کردم تا زن و بچه‌هایم بخوابند. نیمه‌های شب وقتی مطمئن شدم همگی خواب هستند آهسته بالای سر همسر رفتم و با بالشت خفایش کردم.

در جریان درگیری بچه‌ها بیدار شدند و برای آن که راز قتل فاش نشود آنها را نیز خفه کردم.

پس از این اعتراف‌ها، پرونده برای رسیدگی و صدور حکم به دادگاه ویژه امور جنایی ارسال شد حال آن که این ماجرا بازتاب‌های رسانهای گسترده‌ای داشت.

پس از ارجاع پرونده به قاضی «گوردیز» پرونده برای انجام تحقیقات تکمیلی به من سپرده شد.

در نخستین بازجویی‌ها از حمید متوجه شدم هر بار اسم دخترانش را به زبان می‌آورم به آرامی اشک می‌ریزد. در بازجویی‌های

همین خاطر بارها از او خواستم تا رفتارش را تغییر دهد و گرفتار تجمعات نشود. اما فایده‌ای نداشت. به همین دلیل در جریان مشاخراتمان او را تهدید به جدایی کردم.

شوا که انتظار شنیدن چنین حرفی را نداشت شوکه شد. او چند روز بعد در خیاب من، خانه را ترک کرد و به پرخیز رفتن و بی‌رحمی‌های لازم متوجه شده دست چک و اسناد و مدارک ملکی‌ام را نیز با خود برده است. سرانجام پی بردم او به خانه یکی از دوستانش رفته است. بنابراین به دنبالش رفتم اما حاضر به بازگشت نشد. سرانجام تصمیم گرفتم تلافی‌ش کنم.

قاضی پس از شنیدن اظهارات مرد جوان، همسر وی را به دادگاه فرخواند. زن جوان پس از حضور در جلسه رسیدگی به پرونده در دفاع از خود گفت: من به شوهرم علاقه‌مند هستم. می‌دانم کی مقصوم ام وقتی مرا تهدید به جدایی کرد از شدت ترس و برای اینکه زندگی‌مان از هم نپاشد اسناد و مدارک او را برداشتم تا بهانه‌ای برای آشتی دوباره باشد. هنگامی که سروش به خانه دوستان آمد فقط مدارکش را خواست دلم شکست. چرا که انتظار داشتم با اصرارهایم مرا به خانه ببرد. با این حال به هیچ

مرد جوان وقتی از تصمیم همسرش برای جدایی مطلع شد اسناد و مدارک وی را برداشت و به حالت قهر خانه را ترک کرد.

چندی قبل مرد ۳۵ ساله‌ای به نام سروش در حالی که با در دست داشتن دادخواست طلاق به دادگاه خانواده مراجعه کرده بود به قاضی صدافتی - رئیس شعبه ۲۶ - گفت: متأسفانه قصه زندگی‌ام تلخ و پر درد است. با این که وضع مالی خوبی دارم اما به شدت احساس بدبختی می‌کنم. وی که خود را مدیر شرکتی بزرگ معرفی می‌کرد، ادامه داد: تا پنج سال قبل وضعیت مالی مناسبی نداشتم. پدرم کارگر ساده یک شرکت بود. به همین خاطر زندگی بخور و نمیری داشتم. با این حال پس از تلاش فراوان و پشت سر گذاشتن سختی‌های زیاد با دریافت فوق‌لیسانس از دانشگاه معتبر یک شرکت استخدام شدم. مدتی بعد نیز در پی آشنایی با یکی از همکارانم به نام شیوا، با او علاقه‌مند شده و پیشنهاد ازدواج دادم.

سرانجام پس از خواستگاری با تعیین مهریه ۳۰۰ سکه طلا و برگزاری مراسم عقد و عروسی، راهی خانه مشترک شدیم. از آن جا که هر دو به هم علاقه‌مند بودیم مشکلات زندگی را دست به دست هم پشت سر گذاشتیم. بالاخره با تلاش شبانه روزی پله‌های ترقی را خیلی سریع طی کرده و با جلب اعتماد مدیر شرکت به سطح مدیریت ارشد شرکت ارتقا یافتیم و من شیوا که به شدت خوشحال بودیم مطمئن

شدم که بزودی شرایط مالی بهتری خواهیم داشت. مدت کوتاهی از انتمیام گذشته بود که شیوا، مرا در جریان بارداری‌اش قرار داد. با شنیدن این خبر از خوشحالی در پوست خود نمی‌توانیدم. بنابراین تصمیم گرفتم بهترین امکانات رفاهی را برای همسر و فرزند آینده‌ام فراهم کنم. به همین خاطر با تلاش فراوان آیرتنامتی در شمال شهر خریدم. تولد شیوا، نیز گرمای بیشتری به زندگی ما بخشید. شیوا هم شغلش را ترک کرد و همزمان با خانه‌داری از بچه نیز نگهداری می‌کرد. از سوی دیگر شیوا که اوقات فراغت بیشتری پیدا کرده بود در چند کلاس آموزشی، ورزشی ثبت نام کرد.

در جریان رفت و آمد به کلاس‌های مختلف بود که با چند زن جوان آشنا شد و اکثر اوقاتش را با آنها می‌گذراندم به همین خاطر رفته رفته احساس کردم شیوا از من و دخترمان غافل شده و به تعمرگرایی شبدیده رو آورده است. دامیم به خاطر چشم و هم چشمی‌هایم خواستار تغییر دکوراسیون، ماشین و سایر وسایل خانه شدم. در این میان آنچه بیش از همه رنج می‌داد تغییر اخلاق و رفتار شیوا بود... به

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

عنوان حاضر به طلاق نیستم. چرا که به زندگی، شوهر و فرزندم به شدت علاقه‌مندم. زن جوان پس از شنیدن گله‌های همسرش در حالی که به گریه افتاده بود گفت: قبول دارم اشتباه کرده‌ام. حال هم پیشیمانم. می‌خواهم به خانه بازگردم. مرد جوان پس از شنیدن حرف‌های همسرش در حالی که اشک از چشمانش جاری بود از جدایی منصرف شد و به همراه همسر و فرزندش راهی خانه شدند.

مقصد به همکاران برای خدمات مشاوره مالی اختصاصی... (Advertisement for financial consulting services)

آگهی مناقصه بین المللی عمومی شماره مناقصه ۵۲-۲۵۱۲۳۸... (International public tender announcement)

روابط عمومی شرکت فولاد خوزستان... (Public relations of Khuzestan Steel Company)

جدو سودگو ۲۵۶

رقم ۹۶۱۰۲۱ طوری در خانه های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون ها و مربع های کوچک ۴ در ۴ یکبار دیده شود

آسان جدول سودگو ۲۵۶ (Easy version of the 256 magic square)

متوسط جدول سودگو ۲۵۶ (Medium version of the 256 magic square)

سخت جدول سودگو ۲۵۶ (Hard version of the 256 magic square)

جدول سودگو ۲۵۶ (Final version of the 256 magic square)